"زندگی به عنوان نامزد امپراطور"

مترجم :
Aralia

ویراستار :
F_S_S12

کلینر :
Akane

تایپیست :
Lack Wood

کاری از تیم :
Flaxen Guys

@Flaxen_Guys
@Flaxen_Guyss
@FlaxenGuys

خواستگاری ولیعهد رو به دخترت بسپار

طراح: Chimpa
نویسنده: Saebyeon Yuseong
محصول: Orange Track

(38)

چی؟ نخست‌وزیر اومد؟!
حتی اعتراضم کرد؟

چی؟

اعتراضشو رد کرده؟ کسی که چشماش با شنیدن صدای نخست‌وزیر می‌درخشه و انگار که فراره از خوشحالی، پس بهشه. اعتراضشو رد کرده؟

فکر کردم اگه قاطعانه و متکی ردش کنم، تأثیرگذارتر به نظر میام!

و اینکه اطلاعاتمونم هیچ مشکلی نداره.

لعنتی، به فنا رفتیم...

با چیزی که انتظارشو داشتم کاملاً فرق داره!

هدف نخست‌وزیر این وسط چیه؟

خیلی بهوبی، مستقیماً به یه قرائت دوم بی‌اهمیت اعتراض کرد.

این اصلاً معنی نداره!

اینا شهمقن تهمقنا!

بهشون می‌تونیم برقای نامزدی که از اشراف نیست رو باور کنیم!

چی می‌شه اگه بفهمن نامزد امپراطور که فکر می‌کردن سرش به کار خودشه، بی‌کفایتی و فسادشون رو کشف کرده؟

با اینکه می‌دونستم ازش خوشش نمیاد...

درگیری بین امپراطور و نخست‌وزیر واقعیتیه که همه تو امپراطوری ازش خبر دارن.

مشخصه این یه حمله به نامزد امپراطوره.

تزتزتز حرف زدن

شیرونت، تو دیدی هم نمی‌دونم که همچین مقامی تو دفتر رسمون وجود نداشت!

تزتزتز حرف زدن

اگه اون نخست‌وزیری باشه که من می‌شناسم، حتماً به یه زنش مخفیانه و ساده‌لوح بهش حمله می‌کرد...

اینجوری اعتراض کردن زیادی بی‌پرده‌س.

غیر
اون چند روزیه که پشت هم هم داره کار می‌کنه.. من ازش عذب نمیختم و هتوا رو برای رد کردن اطلاعات تکمیلی آماده می‌کنم.

نخست‌وزیر اینطوری نیست!

هوی، تو از نخست‌وزیر پول قرض می‌گیری!

هوی کوشت با منه؟
چیه!؟ چرا اینقدر ساکتی؟

معمولاً وقتی آس اینجا بود فوری فرار می‌کرد.

هی! چه بلایی سرت اومده؟
مریض شدی؟

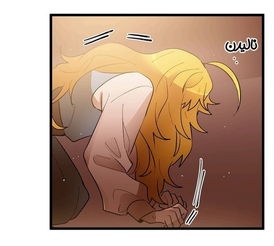
تالیرن

یکمی.

یکم مریضه؟

شنیدی که آسمن پس گفت؟ نقشه‌وزیر به قرائت رهم آومد و اعتراض کرد.

احتمالی اون باید یه چیزی فهمیده باشه. اینبوری می‌خواسته تو رو هدف قرار بده

چرا من؟

اون لایعه تا الان باید به کمیته‌ی دائمی رفته باشه. بیاید ببینیم مسئولش کیه و به مرحله بعدی فکر کنیم

آهههه

این دختره و اون پسره خیلی کنوم بخاش ندارن.

سریع برگرد و یکم استراحت کن. با این وضع، مفید که نیستی خیلی. یه بار اضافه هم خستی.

گرفتن

اینو با تومم میارم.

برای اینکه ببینم این شراب خوبه یا نه، باید منتظر بمونم تا بدنم بهش عادت کنه.

عق عق خوردن...

عق عق خوردن...

خوب این بسه خانم. می‌خنه‌ی اشتی نکنه می‌کشه

بعد از این باید چی کار کنیم.

خوردن

نیم

مراقب باش!

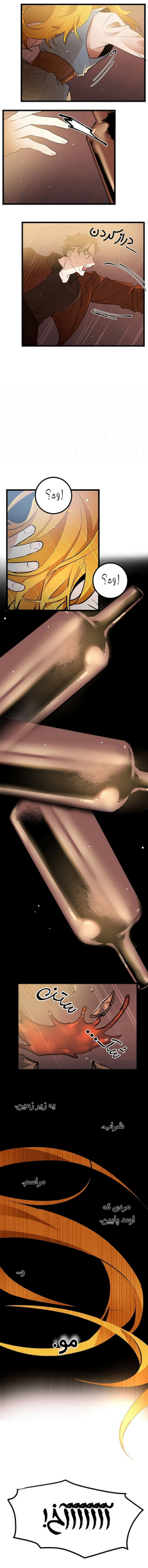
دراز کردن
اوه؟
اوه؟
ضربه زدن...
یه زیر زمین.
شراب.
مراسم.
مردی که
اومد پایین.
رو.
مو.
آآآآآآآخ!

سیرت...
آآآخ!
چی...
چی...

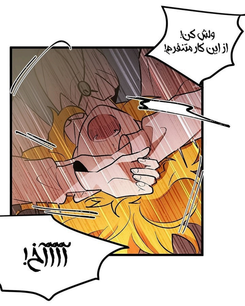
ولش کن!
از این کار متنفرم!
آآآخ!

معاون وزیر؟
بانو ارل؟
عیش
نیا اینجا!
از این کار متنفرم!

بانو ارل؟
حالت خوبه؟
نیا اینجا!
از این کار متنفرم!

دیوانه شدن

نیا اینجا!
جر خوردن
جر خوردن
نیا اینجا!

پدر! یهو
اینطوری شد؟
از کجا بدونه!

چه خبر شده!

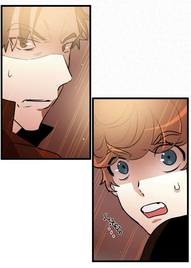

اعصابم رو بهم ریخت
اعصابم رو بهم ریخت
اعصابم رو بهم ریخت

نفس
نفس
زدن..
نفس
نفس
زدن..

ادل،
اشکال نداره،
بیا اینجا.

ادل؟
متعجب...

ادل؟
من ادلم؟

سرگان دادن

جابجا شدن
ادل رو نجات
بده. اون دوباره اومد
درد می‌کنه.

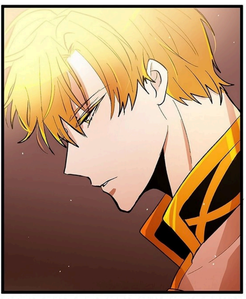

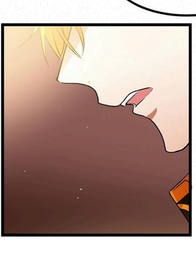

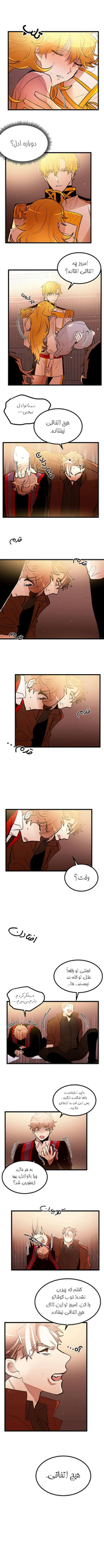
تراژدی
دوباره اول؟
امروز چه اتفاقی افتاده؟
هیچ اتفاقی نیفتاده.
سب‌ماموادی بهوس...
مدیر دلان
قدم
قدم
قدم...
قدم
رفت؟
اضافات
لعنتی تو واقعاً عقلی تو کلمات نیست... ها...
شه‌که‌کردم دارم‌می‌میرم...
واقعاً اشکلمات واقعاً اشکلمات نگیره. پس این قدرت ازبدانی بیاید.
به هر حالت فردا باتو اتفاق بهم ایضوری شد؟
تو بدات
کفتم که چیزی نشده! تو ب کیشانو واکنش امروز تو این اتفاق هیچ اتفاقی نیفتاده.
ه...
هیچ اتفاقی.